یک شنبه 28/11/93-17شعبان 1446-16فوریه 2025-درس 93فقه رهبری سازمانی –صفح وضد آن انتقام

مساله 83: مدیران در موقع ادای وظیفه رهبری رفتاری سازمانی باید روحیه انتقام را در حد ضرورت منحصر به اهل استکبار نموده و نسبت به غیر مستکبرین ، روحیه ورویه عفو یا صفح را پیشه خود کنند . تشخیص مصداق استکبار و غیر استکبار بر عهده عرف خاص سازمان است .

شرح مساله :انتقام از جنود جهل و از موانع اثر بخشی وظیفه رهبری سازمانی است.و ضد آن صفح است که اوج عفو کما اینکه حقد اوجش انتقام است در حالیکه خداوند عزیز ذو انتقام است و خلیفه اش منتقم است لذا باید دید که انتقام اگر از جنود جهل است در صحیحه سماعه بن مهران از صادق ع هم هست که از جنود عقل است ،حقیقت چیست ؟نقمت آیا متوجه کفار است که حق ستیز یا حق گریز هستند ؟ و در مقابل مومنان و خودیها نبایستی انتقام ستیز شد ؟ لعموم قوله تعالی :" اشداء علی الکفار رحماء بینهم" یعنی ملاک عقلانی بودن یا جهلانی بودن انتقام ،کفر و ایمان باشد مبنی بر اینکه مراد از بینهم مومنان باشند و مراد از شدت روحیه انتقام باشد به قرینه صدر آیه دارد که :"محمد رسول الله و لذین معه اشداء علی الکفار ...." میتوان استنباط کرد که معیت و عدم معیت با رسول اکرم ص ملاک شدت و رحمت است . آیا معیت با پیامبر ص به معنای ایمان به اوست و عدم معیت به معنای کفر به اوست ؟ اگر این طور باشد مراد از بینهم یعنی بین معیت کنندگان با پیامبر یعنی بین مومنان ؟ . آیا میتوان گفت که معیت منافی با قبلیت و بعدیت است کما فی الماثور :" المتقدم لهم مارق و المتاخر عنهم زاهق و اللازم لهم لاحق " که معیت را مترادف لزوم قرار دهیم ؟ که منافات با تند روی و کند روی داشته باشد که نماد افراط و تفریط جهلانی باشد لعموم :" الجاهل اما مفرط او مفّرط"؟ و معیت را از جنود عقل بدانیم که جنود وسط و معتدل هستند ؟ در این صورت معیت و لزوم با معصوم ع مترادف ایمان به او باشد و تاخیر و تقدم از او را مترادف کفر بدانیم ؟ که موضوع برای رحمت وشدت باشند ؟ یا این که توسعه مفهومی داشته باشیم یعنی معیت با رهبری و نظام دینی را فرا ایمان بدانیم که غیر مسلمینی را هم شامل شود که متحد و موالف با نظام نبوی هستند ؟مثل نجاشی حبشی که سلطان همراه پیامبر ص بود در عین این که مسلم نبود وسیره نظری و عملی او این را نشان داد. در جبهه حق قرار گرفت و مودت و معیت پیدا کرد لعموم قوله تعالی :" اشد الناس موده للذین آمنوا" و ظهور :" اذا سمعوا ما انزل الی الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع " و لعموم التعلیل :" ذلک بان منهم قسیسین ورهبانا هم لایستکبرون " یعنی رهبران مسیحی که به علت عدم استکبار مودت شدید و اشد به مومنان به رسول ص در دل دارند . پس یک ملاک دیگر در معیت و عدم معیت با رسول خداص پیدا میشود که استکبار و عدم استکبار نسبت به آن حضرت باشد . که مستصعفین را در زمره همراهان پیامبر ص قرار میدهد در مقابل مستکبرین و شدت بر مستکبرین و روحیه انتقام جویی را متوجه آنان میکند کما فی الماثور :" یضع المستکبرین و یر فع المستضعفین " با توجه به این که استکبار از جنود جهل است و شیطانی است لطهور قوله ع فی وصف ابلیس :" سلف المستکبرین " در حقیقت مستکبرین مشمول " کفار" میشوند و مستصعفین مشمول عنوان "بینهم " ولذا مشمول وجوب شدت و رحمت میشوند و در حقیقت مشمول وجوب انتقام و صفح هم میشوند .

براین اساس دائره و نائره شدت و انتقام متوجه مستکبران اعم از مسلم و غیر مسلم و رحمت وصفح متوجه مستصفان میشود . که انبیاء علیهم السلام هم مشمول عموم مستصعفین هستند لعموم قوله ع:" کانوا اقواما مستضعفین " لذا مناطی به استنباط میرسد که استکبار و عدم استکبار باشد و تنقیح شود برای جوازشدت و انتقام و عدم جواز . و به قرینه مقابله وقتی صفح که ضد انتقام است واجب است لقوله تعالی :" واصفح ... ولیصفحوا و... فا صفحوا" پس انتقام هم حرام میشود بر مبنای :" امر به شیئ نهی از ضد آن میکند کما هو المختار . در نتیجه انتقام واجب و حرام ، جایز و غیر مجاز میشود یعنی در مقابل مستکبران، مشروع و در مقابل مستضعفین، نامشروع بلکه حرام میشود . بنا بر اینکه مستکبرین مشمول عنوان کفار و مستضعفین مشمول عنوان "بینهم" باشند کما هو الحق . وانتقام مشمول عنوان شدت و صفح مشمول عنوان رحمت باشد ( والله العالم)

استکبار در سازمان و مدیریت، صادق بر افراد و گروه هایی است که با فرهنگ صحیح سازمانی مقابله میکنند و دلیلی جز خود برتر بینی ندارند دچار کبر و عجب هستند. انشالله در نوبت بعد به وصف استکبار به عنوان مانع اثر بخشی رهبری سازمانی مدیران می پردازیم .

فتحصل : مدیران در موقع ادای وظیفه رهبری رفتاری سازمانی باید روحیه انتقام را در حد ضرورت منحصر به اهل استکبار نموده و نسبت به غیر مستکبرین ، روحیه ورویه عفو یا صفح را پیشه خود کنند . تشخیص مصداق استکبار و غیر استکبار بر عهده عرف خاص سازمان است .